



دوره هفتم تقنینیه

جلسه ۴۲	<h1>مذاکرات مجلس</h1>	شماره ۹۲
تاریخ تأسیس آذر ۱۳۰۵ جلسه یکشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۰۸ مطابق ۴ شعبان ۱۳۴۸	مندرجات فقط شامل مذاکرات مشروح جلسات مجلس شورای ملی خواهد بود پس از ختم هر جلسه کلیه مذاکرات در یک شماره منتشر میشود مطبعة مجلس	قیمت اشتراك داخله ایران سالانه ده تومان خارجی ۵ دوازده تومان قیمت تک شماره یک قران

# مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس روز یکشنبه ۱۵ دیماه ۱۳۰۸ \* ( ۴ شعبان ۱۳۴۸ )

## هرست مذاکرات

( ۴ ) بقیه شور اول لایحه تامین مدعی به  
( ۵ ) موقم و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

( ۱ ) تصویب صورت مجلس  
( ۲ ) طرح دو فقره مرخصی  
( ۳ ) مذاکرات لایحه اعتبار نظیه

مجلس یکساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید

### [ ۱ - تصویب صورت مجلس ]

صورت مجلس پنجشنبه ۱۲ دی ماه را آقای مؤید احدی ( منشی ) قرائت نمودند \* \* \*

رئیس - آقای آقا سید یعقوب	کازرونی - قبل از دستور
آقا سید یعقوب - قبل از دستور	رئیس - آقای فرخی
رئیس - آقای کازرونی	فرخی - قبل از دستور .

\* عین مذاکرات مشروح نود و دومین جلسه از دوره هفتم تقنینیه با استثناء مذاکرات قبل از دستور (مطابق قانون ۸ آذرماه ۱۳۰۵) دایره تند نویسی و تحریر صورت مجلس

\* اسامی غائبین که ضمن صورت مجلس خوانده شده است : غائبین با اجازه .. آقایان : فیهی - پور حسن - سید کاظم - ...  
 دکتور امیر اعلم .. فولادوند .. دیوان بیگی .. حاج میرزا حبیب الله امین - آقا زاده سبزواری - لرستانی ..  
 کازرونی .. موقر .. ساکنیان - اسکندری - اورنگ .. مقدم - بروجردی - امیر حسین خان - اعتبار - مهدوی - کفائی ..  
 باب کبیسرو .. رفیع .. نیپور تاش  
 غائبین بی اجازه - آقایان : انغمی .. میرزا حسنخان وثوق .. دکتور سنک - بیات ماکومی - آصف .. اعظم - حبیبی ..  
 ستاری - ناصری - قوام - ملک مدنی - اسفندیاری - حاج رحیم آقا - در بانی - میرزا ابوالفضل - بیات - حاج حسین آقا مهدوی ..  
 بیخ غنی مدرس .. حاج حسن آقا ملک .. حاج غلامحسین ملک  
 دیر آمدگان با اجازه - آقایان : عبدالحسین خان دیبا - ش بیعت زاده - بالزی - جهانشاهی - عراقی - جلایی - ذوالقدر  
 دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : اسدی - مهدوی

رئیس - آقای افسر

افسر - بنده مریض بودم و آنجا نوشته است با اجازه با اجازه ام از این است که مریض باشد نتواند بیاید یا بتواند بیاید و نیاید در هر صورت باید نوشته شود مریض رئیس - در صورت مجلس نظر دیگری نیست ؟ ( نمایندگان - خبر )

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

[ ۲ - طرح دوفقره خبر مرخصی ]

رئیس - دوفقره خبر از کمیسیون عرایض و مرخصی رسیده است :

۱ - مرخصی حسنعلیمیرزا دولتشاهی

نماینده محترم آقای حسنعلیمیرزا دولتشاهی بعلت کسالت کامل مزاج و تکمیل عمل جراحی از تاریخ بیستم دیماه ۱۳۰۸ برای مدت سه ماه مرخصی خواستند که برای معالجه باروپا بروند . کمیسیون با نظریه ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که در کلیه این مرخصی ها مخالفم در این هم مخالفم اما چیزی که هست و بنده یکقدری خودم را راضی کردم که در اینجا مخالفت نکنم یا کمتر بکنم این است که از قرارى که شنیده ام ایشان خیال دارند از وجوهی که از این محل دریافت میکنند يك تخت خواب دائمی درمريضخانه داشته باشند و يك وجهی بمصرف آن تخت خواب برسانند ( آقاسید یعقوب - خودش مریض است ) چون به این مصرف میرسد من مخالفت ندارم امیدوارم دیگران هم این کار را بکنند و خودشان هم بقولشان عمل کنند .

رئیس - موافقتین با مرخصی ایشان قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . خبر دیگر :

مرخصی آقای حبیبی

نماینده محترم آقای حبیبی از تاریخ حرکت يك اجازه مرخصی کرده اند کمیسیون بانظریه ایشان موافق اینک خبر آن را تقدیم میدارد .

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده از آنجائی که عقیده ام این است که بشود و شده است که مجلس شورای محترم محل اصلاحات مملکتی باشد و جامع اخلاق حسنه باشد و مردم را دارای اخلاق حسنه و زحمت کشیدن و خوردن و از مال خودشان خرج کردن بکنند باین جهت این مخالفت ها را می کنم و خیالی معذرت میخواهم از آقایان و الا خدا شاهد است عداوت شخصی یادوستی شخصی من را وادار نمی کند . بنده باین مرخصی که ایشان هیچ مقدار از آنرا تخصیص به فقر یا بمصرف عام المنفعه نداده اند مخالفم

رئیس - آقای زوار

زوار ( مخبر کمیسیون ) - بنده برای مجلس این

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقاسید یعقوب - بنده خواستم به آقای فیروز آبادی عرض کنم که وکیل اینقدر در يك موضوعی با این که شما امتحان کرده اید حقیقه خودتان تصدیق کنید که بيك جمعیتی بی احترامی نباید کرد واقعا بر میخورم که هی بفرمائید به مریضخانه به فقرا و این چیز ها بدهند من و شما عوالمیان غیر از این است که در اینجا يك چیزی بگوئیم که به حیثیت و آلا بر نخورد ما باید اینچنین روح بدهیم به مجلس شورای ملی مسلما هر يك ما ها هم که عقیده داشته باشیم میدهیم و اینقدر اظهار کردن اثر ندارد وکیل باید مثل آقای فرخو یا شود سراپا تعقیب کند در سیاست مملکتی نه این که

آقای فلان چرا مرد چرا به مریضخانه نداد چون این چیز ها را تعقیب میکنند خواستم این را بگویم که يك اندازه دقت کنید

رئیس - موافقتین با مرخصی آقای حبیبی قیام فرمایند ( عده کمی قیام نمودند ) تصویب شد .

[ ۲ - مذاکرات لایحه اعتبار نظمی ]

رئیس - خبر کمیسیون بودجه راجع به سه هزار تومان استقراض اداره نظمی از وزارت فوائد عامه مطرح است قرائت میشود :

خبر از کمیسیون بودجه قدیم

کمیسیون بودجه لایحه نمره ۱۴۴۰ دولت را در تحت مطالعه و شور قرار داده و با اصلاحاتی ماده واحده را با حضور نماینده دولت تصویب و به مجلس مقدس تقدیم مینماید .

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزت مالیه اجازه میدهد که مبلغ سه هزار تومان از اعتبارات بودجه سند ۱۳۰۷ وزارت فوائد عامه حذف و بر بودجه سنه ۱۳۰۷ اداره نظمی از بابت قرضی که وزارت فوائد عامه برای تعمیر اداره مزبوره داده است اضافه نماید

رئیس - ماده واحده مطرح است . آقای فیروز آبادی .

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که بعضی عرایض که اینجا میکنند نمایش بدهم که مجلس شورای ملی در جزئی و کلی حقوق ملت خودش دفاع میکند مجبورم این عرایض را بکنم به این نظر و امید وارم هر کس در این مملکت از شخص اول تا برسد به شخص بنده از وظیفه شخص خودمان خارج نشویم و اگر هر کس خارج شد بدون استثناء ما وکیل يك ملتی باشیم که بایستیم و مقاومت کنیم و بجز از خدای خودمان از احدی ترسیم به این ملاحظه بنده بعضی عرایض را اینجا میکنم و امید وارم بعضی از آقایان از بنده ترنجند يك لایحه اینجا آمده است راجع به سه هزار تومان که وزارت فوائد عامه قرض داده است به نظمی بنده اولاً

سؤال میکنم که آیا نظمی با وزارت داخله یا وزارت مالیه و غیره میتواند بدون تصویب مجلس قرضی بکند یا خیر ؟ بنده عقیده ام این است که نمیتواند بکند مگر با اجازه مجلس چه یک شاهی چه صد میلیون فرق نمیکند اما به بینیم که اینجا وزیر فوائد عامه یا ریاست نظمی یا وزیر داخله اجازه گرفته بوده اند در این خصوص که قرض کرده اند یا خیر اجازه نگرفته اند . اگر بفرمایند بجهت آمدن امیر افغان در اینجا بوده که ما صد و پنجاه هزار تومان برخلاف عقیده خودم رای داده شد در اینجا بجهت خرج ورود او دیگر این سه هزار تومان یعنی چه ؟ يك چهار هزار تومان باز در این زمینه رای دادیم دیگر این سه هزار تومان جهت ندارد اگر لازم بود میخواستند از همان محل صد و پنجاه هزار تومان بگیرند اگر هم کسر داشتند میخواستند از مجلس اجازه بگیرند سه هزار تومان نباشد سه قرائت باشد خوب بود از مجلس اجازه میگرفتند تا این قرض باب نشود که هر پولی را که میخواهند قرض کنند بعد بیایند از مجلس اجازه بگیرند بنده باین ترتیبات مخالف هستم اگر چه در نظمی يك اصلاحاتی را بنده عقیده دارم که برخلاف ترتیباتی است که حالا هست عقیده بنده هم در هیچ کجا حکمفرما نیست . عقیده بنده این است که نظمی را ما همه روزه اصلاح کنیم بوسیله مجازات . این سارقینی که شب و روز راحتی را در بیرون از مردم گرفته اند آنها را مجازات کنیم نه اینکه همه ما نظمی قشنگ محبس قشنگ بسازیم و اشخاصی که بیرون در توی طوبله آنها را راه میدهند بیاوریم در آنجا و مجازات آنها را چهل و هشت ساعت یا دو ماه سه ماه قرار بدهیم و نان و آبگوشت بخورند و این مجازات آنها باشد دزد که سهل است بعد از این بنده هم دزد خواهم شد این مجازات ها سخت نیست اینها اسباب راحتی آنها است . . .

محمود رضا - چه کند همان شب اول اعدامشان کنند ؟ فیروز آبادی - باید مجازات در مملکت حکم

فرما باشد و آن مجازات طوری باشد که مردم از آن بترسند تا ترس آنها را مانع باشد. هر چند بنده چیز خوب را هم در موقعش تشکر خودم را میکنم از ریاست نظمیته حالیه با وجودیکه خدا شاهد است هیچ با او آشنائی ندارم و او را هم ندیده ام از او تشکر میکنم (کازرونی - همه تشکر میکنند) که بعضی عملیات را جلوگیری کرده است از قبیل قمار و این چیزها و خیلی هم ازش ممنون هستم و امیدوارم موفق شود از منهیاتی که باعث زیاد شدن فساد اخلاق و باعث خرابی مملکت میشود جلوگیری کند رئیس - (صدای زنگ)... آقا در اصل موضوع صحبت کنید فیروز آبادی - در زمینۀ این موضوع هم بنده مخالفم چرا؟ بجهت اینکه بدون اجازه بوده است هر کس که این خرج را کرده است باید از جیب خودش بدهد و هر کس هم قرض داده است خودش مسئول است کازرونی (مخبر) - عرض کنم در يك موقعی که خیلی لازم و مقتضی بوده است وزارت فوائد عامه از اعتبارات متحرک خودش که قانوناً حق دارد بجهت مخارج غیر مترقبه خرج کند مبلغی بدارد نظمیته قرض میدهد بامید اینکه از صرفه جوئیهای اداره نظمیته در سال ۳۰۷ آن مبلغ را جبران میکند لکن اداره نظمیته در سال ۳۰۷ از صرفه جوئیهای خودش چیزی اضافه نداشته که تادیه کند از آنطرف هم وزارت فوائد عامه با تعمیرات اداره نظمیته يك تناسبی دارد یعنی نگاهداری و تعمیرات بیوات دولتی با فوائد عامه است و باین مناسبت البته دادن قرض بی تناسب نبوده بجهت يك مخارج غیر مترقبی از اعتباراتی که بجهت همین موضوع داشته است داده است و حالا نمیشود گفت بر خلاف قانون رفتار کرده است زیرا این اعتبار برای همین است که يك مخارج غیر مترقبی که دفعه برای دولت پیدا میشود دولت ناچار است از همین محل خرج کند و حالا هم چون دیده شده است

که اداره نظمیته پولی ندارد که آنرا تادیه کند و وزارت فوائد عامه حاضر شده است از اعتبارات خودش آن مبلغ را کسر کند و بر بودجه نظمیته بیفزاید مخالفان با هیچ قانونی هم نیست و مستلزم هیچگونه تغییری هم نیست و کار خلافی هم نشده است رئیس - آقای آقا سید یعقوب مخالفید؟ آقا سید یعقوب - بلی بلی.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - آقای کازرونی را توجه میدهم به عرایض خودم ملتفت باشند این خرج را در واقع کرده اند و پولش هم دور ریخته نشده است خرج نظمیته شده است خرج عمارات مملکتی کرده اند ولی قانون اساسی و قوانین دیگری که حق نظارت را بما داده است و بعد هم قانون بودجه که مصرف هر چیزی را در محل خودش معین کرده است ما نباید بگذاریم يك چیزی که در تحت این قوانین است تجاوز کند ولو اینکه بجای خیلی بهتر باشد چرا؟ برای خاطر اینکه همینکه ما سهل انگاری کردیم تمام پیش آمد هائی که تصور میکنند بواسطه سهل انگاری و مواظبت نکردن که قانون در جای خودش اجرا شود پیش خواهد آمد اینجا میفرمایند که پول دوز ریخته نشده است و وزارت فوائد عامه که این مملکتی در دست او است پول را در اینجا خرج کرده است برای تعمیرات ولی قانون بودجه میگوید این کار باید با اجازه باشد قانون بودجه بیست و دو ماده دارد در این قانون بودجه بیست و دو ماده معین شده است که هر پولی که معین است برای مصرفی باید در همان مصرف خرج شود و اگر بخواهند از آن مصرف بمصرف دیگر برسانند باید با اجازه مجلس باشد الان بنده میگویم وزارت فوائد عامه خرج نظمیته کرده است آیا با اجازه کی کرده است معنای ناظر بودن مجلس

شورای ملی معنای قانون بودجه معنای گذشتن مواد يك بیک در مجلس این است که هر خرجی که واقع میشود با اجازه مجلس باشد و هر خرجی که میخواهند بکنند اگر از آن محل به محل دیگر خواستند ببرند با اجازه مجلس باشد و البته بقول خودتان که يك روز خوب - حرف زدید در بسته چشم بسته گوش بسته بیابند و پول را خرج مملکت کنند پس نظارت مجلس کجا رفته است؟ این فرمایشی که آقای فیروز آبادی کردند نظرشان این است يك قلمی که معین شده است برای يك مصارفی. اینکه در اینجا نوشته است اعتبارات اعتبارات بر دو قسم است یکی اعتبارات مترقبه است و یکی اعتبارات غیر مترقبه. آن اعتبارات غیر مترقبه نظمیته از اعتبارات غیر مترقبه فوائد عامه نمیشود. اعتبارات غیر مترقبه فوائد عامه يك سیل است مثلاً يك يك آتش فشانی بوده است. مجلس شورای ملی که باز بوده است اگر از آن اعتبار برای نظمیته میخواسته است خرج کند باید اجازه بگیرد حرفشان صحیح است نهایت اینجا بواسطه مراقبتی که مجلس دارد و اکثریت موافقین دولت رای میدهم و الا باید وزارت مالیه کاملاً این نکته یعنی نظارت مجلس را مراعات کند. این یک موضوع بود راجع به جواب آن فرمایشی که فرمودند. اما يك موضوعی که خودم میخواستم عرض کنم این است که الان ۱۵ دیماه ۱۳۰۸ است و اینجا نوشته شده است که مجلس شورای ملی بوزارت مالیه اجازه میدهد که مبلغ سه هزار تومان از اعتبارات بودجه سنه ۱۳۰۷. سنه مالی تمام شده است مخارج هم تمام شده است از اعتبارات چه مترقبه چه غیر مترقبه از آن اعتبارات دیگر چیزی باقی نمانده وقتی که سنه مالی تمام شد و بودجه بسته شد و گذاشته شد کنار دیگر اعتباری باقی نماند که ما بگوئیم این اعتبارات یا غیر اعتبارات ممکن است بگوئیم صرفه جوئی داشته ایم و صرفه جوئی تا هجده ماه مدت دارد و چون صرفه جوئی اینجا تمام شده از صرفه جوئی انجا بدهیم والا معنای

اعتبارات اصلاً غلط است این است که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود سه هزار تومان از صرفه جوئی بودجه ۱۳۰۷ این يك اشکال عبارتی است که مجلس به کلمه اعتبار ۳۰۷ رای ندهد به صرفه جوئی رای بدهیم مقصود هم حاصل میشود غلط هم نوشته نمیشود مقصود بنده از اشکالی که داشتم راجع به کلمه اعتبارات بود.

کازرونی - عرض کنم بطور خلاصه جواب عرض میکنم اگر دولت میخواست بدون اجازه مجلس کاری کرده باشد (يك مخارج غیر مترقبی کرده است و خود جنابعالی هم که تصدیق میفرمائید در آن موقع لازم بوده است) دیگر لازم نبود که مراجعه به مجلس بکند اینکه مراجعه به مجلس کرده است و استجازه نموده است که مجلس تصویب کند و اجازه بدهد مقصودش این است که من این کاری را که کرده ام همانطور باشد و الا اگر رأی ندهید که حرفی ندارد و البته مسئول است بنابراین مقصود جنابعالی در تقدیم همین لایحه حاصل است. الان این اجازه را از که میخواهد لایحه را به کجا داده است؟ پس بنده گمان میکنم اشکالی ندارد. اینکه فرمودید نوشته شود از صرفه جوئی بنده گمان میکنم چنانچه در کمیسیون بودجه بنده اعتراض کردم راجع به نظیر هر چه موضوعی و جوابهای قانونی داده شد که جنابعالی هم موافقت کردید که هنوز مدت این اجازه تمام نشده است و بهر تقدیر میخواهم عرض کنم که در سال ۳۰۷ وزارت فوائد عامه از اعتبارات متحرک خودش که تحت يك امور غیر مترقبه ایست لازم دید در يك امر غیر مترقبی سه هزار تومان در يك موردی که تناسب هم با او داشته است یعنی راجع بوده است به ملك دولت خرج کرده و نظمیته منتظر بوده است که شاید از صرفه جوئیهایش بتواند جبران کند لکن چون بالاخره معلوم شده است که نمیتواند جبران کند این است که حالا از مجلس اجازه



میخواهد که این خرجی که پیش آمده است و بر طبق  
اختیاراتی که داشته ام کرده ام و خلاف هم نکرده ام  
چون حالا محظور و مشکلی پیش آمده است اجازه  
بدهند اینطور تصحیح کنیم و محاسبه کرده باشیم  
مخالفت با هیچ چیز هم ندارد و بعقیده بنده اشکالی هم ندارد

رئیس - آقای روحی

روحی - موافقم

رئیس - آقای وثوق

آقا سید مرتضی وثوق - موافقم

رئیس - مخالف دیگری ندارد پیشنهادی از آقای

آقا سید یعقوب رسیده است

آقا سید یعقوب - مسترد میدانم

رئیس - موافقین باماده واحده ورقه سفید خواهند داد  
( اخذ و شماره آراء بعمل آمده ۶۴ ورقه سفید و یک  
ورقه کبود تعداد شد )

رئیس - عده حاضرین ۷۷ با کثرت ۶۴ رأی  
تصویب شد

( ۴ - بقیه شور اول لایحه تأمین مدعی به )

رئیس - قانون تأمین مدعی به از ماده ۲۲ مطرح  
است شور اول . ماده ۲۲ قرائت میشود :

ماده ۲۲ - محکمه بعد از حاضر شدن ضامن یا  
وصول ضمانت نامه روزی را معین میکند که طرفین

در جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتن ضامن  
مذاکره نمایند .

رئیس - آقای آقا سید یعقوب .

آقا سید یعقوب - عرضی ندارم

رئیس - ماده ۲۳ قرائت میشود :

ماده ۲۳ - اقدامات محکمه که بموجب ماده ۲۲

بعمل می آید فوراً در جلسه فوق العاده و خارج از  
نوبت بعمل آید

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای یاسائی ( مخبر هستند ) توجه

بفرمایند اینجا برای تحقیق ماده خواستم عرض کنم  
در ماده ۲۲ مینویسد : محکمه بعد از حاضر شدن ضامن

یا وصول ضمانت نامه روزی را معین میکند که طرفین در  
جلسه محکمه حاضر شده در باب پذیرفتن ضامن مذاکره

نمایند . این همچو میسراند که محکمه را مختار کرده است  
که روزی را معین کند . بعد در ماده ۲۳ میگوید

اقدامات محکمه که بموجب ماده ۲۲ بعمل می آید باید  
فوراً در جلسه فوق العاده و خارج از نوبت بعمل آید

اینجا عقیده بنده این است که برای خاطر این که  
توهم تهاوت بین مادتهای ۲۳ قبل از ماده

۲۲ نوشته شود که اقدامات محکمه نسبت به پذیرفتن  
ضامن و تعیین کردن باید فوراً باشد بعد از آنکه این

مسئله را معین کردند که باید خارج از ترتیب باشد از

وقت مینویسیم که باید روزی را معین کند که اقدام  
باین عمل بعمل آید و فوراً هم واقع شود این عمل .

این تکلیف اول و بعد از اینکه این اقدام فوری بعمل  
آید آنوقت باید روزی را معین کنند و الا عقیده من

این است که با بودن ماده ۲۳ هیچ محتاج بماده ۲۲  
نبستیم این برای توضیحی بود که در شور نانی اصلاح شود

مخبر - آقای ( یاسائی ) اجازه میفرمائید .  
رئیس - بفرمائید

مخبر - این اشکالی که اظهار فرمودند چندان مهم  
نبود ممکن است پیشنهادی بفرمایند که اصلاً ماده ۲۳

و ۲۲ یکی شود . ( نمایندگان - صحیح است ) و برای  
شور دوم عبارتش را اصلاح میکنیم . این طوری که نوشته

شده ناقص است ( صحیح است )  
رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده اعتراضی از نقطه نظر اینماده  
دارم . میگوید : « اقدامات محکمه که بموجب ماده

۲۲ بعمل می آید فوراً در جلسه فوق العاده و  
خارج از نوبت بعمل آید . » این لفظ تعمیم دارد .

چه مرافعات و دعوی که در محاکم هست اگر از همین  
قبیل باشد یعنی برای این قسم ضمانت باشد و یک جلسه

دیگر باید تشکیل شود این جا نوشته که برخلاف ترتیب  
و نوبت باین امر رسیدگی میشود در صورتیکه یک کسی

که چند روزی است ضامنش را حاضر کرده یا ضمانت  
نامه اش را حاضر کرده این را محکمه مسلماً باید مقدم

بدارد بر آن بعدی . غرض لایحه هم این نیست که در  
این نوع دعوی بعدی را مقدم بر قبلی بدارد بلکه

غرض لایحه این است دعوی رسمی و قانونی که در  
محکمه مطرح شده این حق دارد مقدم بر آنها واقع

شود . اما اگر دیگری هم آمده ضامن یا ضمانت آورده  
محکمه نمی تواند این دعوا را مقدم بدارد بر دعوی

دیگری که تأخر دارد و آنکه قبلی است موخر بدارد یا

آنکه موخر است و مال بعد است مقدم بدارد این را  
خواستیم آقای مخبر توضیح بدهند تا رفع اشکال بشود  
یا در کمیسیون توجهی بفرمایند تا رفع اشکال بعمل آید  
مخبر - البته همان طوری که فرمودند مقصود این

نیست در کارهایی که مربوط به ضمانت و قرار های  
راجع به ضمانت است محکمه ترجیح بلامرجه بدهد  
بلکه مقصود این است نسبت بکار های دیگری که

در محکمه است و از کارهای معمولی است محکمه این  
را بطور فوق العاده تلفی کرده و خارج از نوبت رسیدگی

را بعمل آورد ولی اگر چنانچه در یک روز دو امر  
راجع به ضمانت در محکمه مطرح شد این بسته است

به تقدم و تأخر تاریخاً و کارهایی که رجوع شده است  
مثلاً قرار زود تر صادر شده یا ضمانت زود تر شده البته

این مقدم است . این جزئیات را دیگر نمیشود در  
قانون ذکر کرد . مقصود این است که نسبت بکارهای

عادی و معمولی باید خارج از نوبت بعمل آید نه  
کارهای مربوطه بضانت

رئیس - پیشنهادی از آقای آقا سید یعقوب رسیده  
قرائت میشود :

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده ۲۲ و ماده ۲۳ یکی شود  
رئیس - ماده بیست و چهارم قرائت میشود :

ماده ۲۴ - اگر کسی که با ضامن دهنده طرف  
دعوی است در روز معین حاضر نشود محکمه میتواند

ضمانت را که برای تأمین کلیه یا قسمتی از مدعی به یا  
محکوم به کافی میدانند قبول کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - آقای مخبر که تشریف بردند .  
عقیده بنده برخلاف این ماده است اساساً برای خاطر

اینکه فرض کنیم مدعی اقامه کرده بر مدعی علیه  
نسبت به محکوم به خودش تأمین خواسته یا ضامن خواسته

- اسامی موافقین - آقایان : طهرانی - مسعودی - رهبری - عراقی - ذوالقدر - یاسائی - پالیزی - کبابی - نوری - محمد آخوند - احمد - آقا حسین آقایان - دریانی - کاشانی - محمد علی میرزا دولتشاهی - انور - عدل - احتشام زاده - سید مرتضی وثوق - نجومی - روحی - فتوحی - عباس میرزا فرمانفرمایان - جلالی - لاریجانی - اسفندیاری - دهستانی - حسینی - میرزا دولتشاهی - میرزا یانسی - کازرونی - سهرابخان ساکینان - انبال - مولوی - شریفی - دکتر قنبر - طاهری - طالش خان - اسدی - حاج سید محمد - محمود - امیر ابراهیمی - ظفری - مفتی - فرهنگ - محمدولی میرزا - اسکندری - شهداد - الفت - جهانشاهی - فرشی - طباطبائی - طباطبائی رکیلی - دکتر ملک زاده - موید اجدی - حکمت - صادقی - مصباح فاطمی - وهاب زاده - بزرگ نیا - خواجوی شریعت زاده - نوبخت - قاضی نوری - مجد ضباطی - جلدی - عامری

مخالف : آقای فیروز آبادی

و مطابق ماده چهار ما گفتیم مدعی علیه در مقام تأمین مدعی به می تواند ضامن بدهد پس ضامن گرفتن حق مدعی است و مدعی علیه که آمده است ضامن بدهد چنانچه در ماده معین کردیم که يك روزی را برای تعیین ضامن باید محکمه معین کند حالا در صورتیکه مدعی در آن روز نیاید که دعوی خودش را تعقیب کند دیگر چرا محکمه این کار را بکند؟ محکمه که مدعی العموم نیست. حق دولت نسبت به مدعی و مدعی علیه هر در عین السویه است مرد که در خانه اش نشسته محکمه خود بخود دیگر چرا مأمور سراغ او باید بفرستد بولایات. او کاری ندارد اگر آمدند عارض شدند باید این کار را بکنند اگر مدعی حاضر نشد محکمه باید دست نگاهدارد تا روزی که مدعی بیاید حاضر شود و دعوی خودش را تعقیب کند وقتی که مدعی حاضر نشد محکمه برای چه ضامنش را به پذیرد و قبول کند ما این را قبول کردیم برای اینکه فشار نباشد ولی وقتی که مدعی نیاید مثل این است که لو ترك ترك. این است که بنده اساساً با این ترتیب مخالفم و پیشنهاد حذفش را میکنم

رئیس - آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی - بنده عقیده ام این است که اگر چنانچه محکمه حق نداشته باشد ضامن را به پذیرد و قبول کند ...

آقا سید یعقوب - در صورتی که مدعی نیامده

فیروز آبادی - خوب مقصود از نیامدن مدعی يك دفعه این است که مدعی غرضش این است که طرفش را اذیت کند دو جلسه که بگذرد دیگر شاید ضامن حاضر نشود و آنوقت اسباب زحمت آن مدعی علیه بیچاره خواهد بود و چون این احتمال هم می رود بنده کما میکنم این ماده بد نیست زیرا زحمت مدعی علیه کمتر میشود والا ممکن است شخص مدعی عمداً حاضر نشود

در محکمه نا ضامن مدعی علیه از دستش برود و جاس دیگر حاضر شود.

رئیس - آقای شریعت زاده؟

شریعت زاده - مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

شریعت زاده - بنظر بنده تقاضای تأمین کلیتاً راجح

بان چیزی است که اصولاً مربوط است به تصمیم مدعی اگر مدعی است که باید ضامن بخواند حاضر نشود به عقیده بنده تصمیم محکمه در قبول ضامن دیگر مورد ندارد بنا بر این باید مسئله توقیف شود تا اینکه مدعی بیاید و تقاضا کند باین جهت بنده با این قسمت مخالفم.

رئیس - آقای طاهری موافقید؟

دکتر طاهری - بل

رئیس - بفرمائید.

دکتر طاهری - تقاضای تأمین يك حقی است برای

مدعی یا محکوم له. اجازه دادن ضامن يك ارفاقی است نسبت به مدعی علیه یا محکوم علیه. اگر چنانچه مدعی تقاضای تأمین کرد گفتیم مدعی علیه می تواند بیاید ضامن بدهد و از تأمین و توقیف خارج شود. چنانچه در يك موقعی مدعی تقاضای تأمین کرد و محکمه هم توقیف کرد مدعی به را تأمین کرد و مدعی علیه یا محکوم علیه تقاضا کرد که ضامن میدهم و از توقیف خارج میکنم آنوقت روزی را معین میکنند برای اینکه مدعی علیه یا محکوم علیه از این حقی استفاده نکند. و اگر چنانچه در روز معین مدعی در محکمه حاضر نشد برای پذیرفتن ضامن برای اینکه مال مدعی علیه را همین طور بحالت توقیف نگاهدارد آنوقت محکمه می تواند تقاضای مدعی علیه یا محکوم علیه را در دادن ضامن به پذیرد و این بسیار خوب است فقط چیزی که هست يك اصلاح عبارتی در اول ماده باید بشود آنرا هم بنده پیشنهاد کرده ام.

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده نظرم این است که يك توضیحی داده شود. نظر بنده راجع باین بود که در موردی که مدعی به بواسطه اخذ ضامن تأمین شده است و نظری بتبدیل نداشتم در مورد تبدیل همانطوری که آقا میگویند صحیح است.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب - بنده خیلی تعجب کردم که آقای دکتر طاهری این مسئله را بر خلاف نظر ما در آوردند این که ما گفتیم اصل موضوع این است. اینهم که آقای شریعت زاده خواستند خودشان را از معرکه خارج کنند به این طور نیست. مسئله دو تا است. يك وقت است که مدعی علیه در مقام تأمین می تواند ضامن بدهد و رفع توقیف مال را بخواند. این بعد از صدور قرار ضامن است یعنی محکمه آمده قرار ضمانت را صادر کرده در صورتیکه قرار ضمانت را صادر کرده دیگر مال توقیف نمیشود. زیرا دیگر آن رفت. وقتی که قرار صادر کرد دیگر آن می رود. زیرا وقتی که محکمه قرار صادر کرد در مقابل مدعی به باید ضامن گرفته شود در این جور مواقع دیگر برای مدعی حقی نیست که مال را توقیف کند و حق او نسبت به ضامن است. و حالا که مدعی نیامده است چرا محکمه تعقیب میکند. موضوع عرض بنده و پیشنهاد بنده که عرض کرده ام راجع باین مسئله است بعد از صدور قرار ضامن است که در این دعوی باید ضامن پذیرفته شود.

رئیس - آقای وثوق

وثوق - موافقم

رئیس - بفرمائید

آقا سید مرتضی وثوق - این عبارت حضور مدعی بفرمائید دلیل بفرمائید حضرتعالی نیست که مدعی

وقتی که حاضر نشد معنی این است که دعوی خودش را ترك کرده باشد. ممکن است يك عوارض وجهاتی حاصل شده که مدعی نمی تواند حاضر شود ولی محکمه قرار صادر کرده و مدعی علیه هم ضامنش را حاضر کرده این دیگر لازم نیست که چون مدعی شخصاً حاضر نشده محکمه هم باید قرار خودش را لغو کند و دعوی مدعی را هم از بین ببرد در صورتیکه مدعی هم ترك کرده باشد دعوی او را لازم نیست که محکمه دیگر قرار یعنی تأمین بگیرد ولی عدم حضور دلیل بر ترك دعوی نیست.

آقا سید یعقوب - محکمه مدعی بشود؟!

رئیس - آقای دکتر طاهری موافقید؟

دکتر طاهری - بل

رئیس - آقای شریعت زاده مخالفید؟

شریعت زاده - بنده موافقم.

رئیس - پیشنهادات قرائت میشود:

پیشنهاد آقای دکتر طاهری

مقام منبع ریاست دامت عظمة

اصلاح عبارتی ذیل را در ماده بیست و چهار پیشنهاد می کنم:

ماده ۲۴ - اگر مدعی علیه یا محکوم علیه در روز معین حاضر نشوند الي آخر

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب

پیشنهاد میکنم ماده بیست و چهارم حذف شود

رئیس - ماده ۲۵ قرائت میشود:

ماده ۲۵ - ضمانت نامتی که شخصاً در محکمه حاضر بود در صورت مجلس قید و باه ضای او میرسد این ضمانت اثر ضمانتی را دارد که بموجب سند رسمی بعمل آمده باشد

رئیس - آقای شریعت زاده

شریعت زاده - موافقم.

دکتر عظیما - مخالفی ندارد

رئیس -- ماده ۲۶ قرائت میشود:

ماده ۲۶ -- قبل از صدور حکم قطعی مدعی، هیچوجه حق ندارد تأدیبه مدعی به را از ضامن بخواهد ولی بعد از صدور ورقه اجرا میتواند از دائره اجرا توقیف مال ضامن را باندازه که ضمانت کرده است موقتاً تا وقتی که محکوم به ادا نشده است در خواست نماید

رئیس -- آقای کیانوری

کیانوری -- بنده تصور میکنم که ضمانت چند قسم است چند قسم تصور دارد. اینطور بطور کلی نمیشود این شکل ضامن را منظور داشت. بجهت اینکه ضمانت يك وقتی است که بطور کلی ضامن میشود میگوید من از این آدم هزار تومان ضمانت میکنم. يك وقت ضمانت بطور خصوصی است میگوید: محکوم به این شخص را من ضمانت میکنم آنوقت هم قسمتهای ضمانت مختلف است. ممکن است یکدفعه این جور ضمانت کند که در صورت عدم تأدیبه محکوم علیه محکوم به را من میپردازم. و در اینصورت چطور میشود ورقه اجرائیه برای ضامن صادر کرد ...

فیروز آبادی -- این جور ضمانت را اصلاً نمی پذیرند کیا نوی -- در صورتیکه اینطور باشد یعنی در صورتیکه محکوم علیه مدعی به را نداد من میدهم دیگر ورقه اجرائیه مورد ندارد و همینطور در این قسم از ضمانت که ضمانت بکند و بگوید من ضامن این مدعی به هستم در صورتیکه مال او وفاقی باشد ...

مصدق جهانشاهی -- این ضمانت نیست

کیانوری -- بله آقا (بعضی از نمایندگان -- بفرمائید) در اینصورت هم ورقه اجرائیه مستقیماً و بدون نمیتواند باسم ضامن صادر شود. این جهت در این دو قسم ضمانت که تقریباً ضمانت تملیکی میشود گفت که ضامن در صورت عدم تأدیبه مال ضمانت میکند یا در صورت عدم وفای

مال محکوم علیه ضمانت میکند بدو باید بمحکوم علیه مراجعه کند و در صورت عدم تأدیبه او آنوقت بضامن مراجعه کنند

فیروز آبادی -- این صحیح نیست

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- مخالفم .

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- مخالفم

رئیس -- آقای احتشام زاده

احتشام زاده -- قانون سابق راجع بضامن و ضمانت يك طرز مختلفی داشت یکی ضمانت مقید بود یکی ضمانت مطلق در قسم ضمانت مطلق حق داشت محکوم له پس از صدور حکم قطعی رجوع کند بضامن و از ضامن محکوم به بخواهد ولی در ضمانت مقید اینطور نبود اول از خود محکوم علیه مطالبه میکردند اگر چنانچه محکوم علیه طفره میزد و نمیداد آنوقت مراجعه میکردند بضامن ولی در این قانون بطور کلی این طور در نظر گرفته شده که پس از محکومیت مراجعه می کنند به محکوم علیه چنانچه توانستند از دارائی محکوم علیه استیفا بکنند به محکوم له به پردازند دیگر به ضامن تعرضی نمیکنند و اگر چنانچه دارائی محکوم علیه کفایت نکرد یا نتوانستند دارائی برای او پیدا کنند آنوقت مراجعه میکنند بضامن برای اخذ محکوم به. حالا در این جا می نویسد قبل از اینکه حکم قطعی صادر شود حق ندارند مراجعه کنند بضامن. ولی پس از صدور ورقه اجرائیه قطعاً اول ورقه اجرائیه باسم محکوم علیه صادر میشود ولی در نظر احتیاط ممکن است محکوم له تقاضا کند که معاند محکوم به از دارائی ضامن توقیف کنند که اگر نتوانستند از محکوم علیه استیفا حق نمایند آنوقت مراجعه کنند بضامن. این برای این است که بعد ضامن نتواند بازی در آورد و به تأخیر بیندازد مقصود این است اگر مطابق

قانون سابق بود البته ما به جنبه ای حق میدادیم که ایراد ثان وارد است ولی در این لایحه جدید این طور نوشته اند که اول باید مراجعه کنند به محکوم علیه و اگر نتوانستند از او بگیرند آنوقت مراجعه کنند بضامن.

رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- عرض میکنم از دقت در مواد مربوطه باین موضوع معلوم میشود که مقصود و نقطه نظر این است که اگر مدعی به تأمین شده باشد و بعد از تأمین آن تأمین تبدیل شده باشد ضمانت قبل از صدور حکم قطعی که از ضامن مطالبه نمی کنند بنا بر این مطلب در واقع راجع بضامن مقید است که اگر چنانچه مدعی علیه محکوم شد از او مطالبه می کنند بنا بر این قبل از اینکه در نتیجه عملیات اجرائی مسلم شود که محکوم علیه دارای يك دارائی و مالی است تعرض بضامن صحیح نیست و هیچ دلیلی ندارد برای اینکه این ضمانت مقید است و باین قید بعمل آمده است که اگر حکم بر علیه او صادر شده باشد. و اما اساساً تأمین از اموال ضامن بنظر بنده مورد ندارد برای اینکه وقتی معین شد که ضامن معتبر است همین اندازه برای محکمه کافی است و بمحض اینکه مسلم شد که از دارائی محکوم علیه نمیشود وصول کرد باید بمسئله قرار ضمانت و ضمانت او از او مطالبه کرد. هم مطابق قانون در هر صورت بنده هیچ دلیلی نمی بینم که يك محکوم علیه قبل از اینکه محکوم بشود و یا از اموالش قابل وصول هست بروند و از ضامن مطالبه کنند و از اموال ضامن توقیف کنند.

نخبر -- همانطوری که برای محکوم علیه فرمودید همان ترتیب هم ممکن است برای ضامن پیش بیاید و همین فرض برای ضامن هم هست فرض کنید يك شخصی از يك شخصی عارض میشود بالاخره آن کسیکه محکوم علیه شد قبلاً هم آمد و ضامن داد و ضامن هم بعد در صدد بر میآید که اموال خودش را از بین ببرد

که نتوانند بگیرند و توقیف کنند فرض بفرمائید يك ضامنی آمده و ده هزار تومان ضمانت کرده است از يك محکوم به می روند دارائی محکوم علیه را ببرند برای محکوم له می بینند که چیزی ندارد و ممکن است که دارائی خودش را مخفی کرده باشد و از ابتدا هم چون محکوم له در این فکر بوده است که محکوم علیه ممکن است دارائیش را مکتوم کند و ظاهر نکند لذا این اقدامات احتیاطی از قبیل تأمین گرفتن و ضامن گرفتن در قانون پیش شده که اگر او مکتوم کرد بروند سر وقت ضامنش و مال او را توقیف کنند پس این اقدامات احتیاطی برای این شده است که در اجرای حکم معطل نشوند حالا اگر بیابند و اینجا برای ضامن هم مهلت بدهند که برود و همین کار محکوم علیه را بکند و مجال پیدا کند که برود نقل و انتقال بدهد دارائی خودش را که فردا از ضامن هم نشود وصول کرد این صحیح نیست بعلاوه اینجا اموال او را که فوری نمیرند وقتی که حکم قطعی صادر شد بر حسب تعهدی که کرده است ده هزار تومان از اموال او توقیف میکنند ولی اگر مهلت بدهیم این هم در صدد بر می آید که اموالش را مخفی کنند که عدلیه در این صورت نتواند اجرا کند و اسباب تضییع حقوق محکوم له میشود محکوم لهی که بعد از جریانهای عدلیه حشش ثبت شد فرض این بوده است که حکم قطعی صادر شده است خوب يك کسی که محکوم له شده است بموجب يك حکم قطعی و ضامن هم در دسترس خود دارد حالا شما میخواهید وسائل اجرائی او را فراهم کنید با این فرجه دادن بضامن مطلب درست نمی آید و حکم او اجرا نمیشود يك فرجه بدهید بضامن یکی هم بمحکوم علیه مطلب خیلی مشکل میشود پس باید يك پیش بینی ها و احتیاطاتی کرد که بشود از ضامن محکوم به را وصول کرد

رئیس -- آقای آقا سید یعقوب

آقا سید یعقوب -- متأسفانه بنده مخالفم و مخالفت

بنده هم در این ماده هم بر خلاف نظر آقای کیا است هم بر خلاف نظر آقای شریعت زاده برای خاطر این که مطابق قانون مدنی که ما داریم ضامن که حالا شما تفسیرش کردید ضامن کامل است و بنده عرض می کنم الان اساساً ضمانت بر دو قسم است یکی ضمان مالیم بجهت یکی ضمان بجهت اگر ضامنی آمد در محکمه و ذمه محکوم علیه را بری کرد و منتقل کرد ذمه او را بخودش که ذمه خودش مشغول باشد وقتی که حکم اجرا شد این خودش باید بدهد و محکوم است (این ضامن) دیگر نباید گفت که بیایند و توقیف کنند. این جاهم شما نظر تان بضامن کامل است که آقای احتشام زاده اظهار کردند همین جور هم آقای یاسائی بنده اساساً با توقیف مال ضامن مخالف هستم چون بعد از آنکه مطابق قانون مدنی ضمانت ضامن بجهت نه ضمانت مالیم بجهت یعنی انتقال شد ذمه بدمه دیگر ضامن محکوم است و باید بدهد توقیف یعنی چه؟ این جا نوشته است که مدعی قبل از صدور حکم حق ندارد بهیچوجه تأدیه مدعی به را از ضامن بخواد ولی بعد از صدور ورقه اجرائیه میتواند از دائره اجرا توقیف مال ضامن را باندازه که ضمانت کرده است بخواد بنده عرض میکنم پس از آنکه ضمانت شد و که انتقال شد ذمه محکوم علیه به ضامن دیگر توقیف نیست ولی مطابق ماده ۲۷ نوشته اند که باید توقیف کنند دیگر توقیف معنی ندارد چون ضمانت ضامن بجهت است که ضمانت کامل باشد و مطابق قانون مدنی است اگر هم ضمانت ضامن مالیم بجهت باشد که هیچ چیز ولی اگر مطابق قانون مدنی ضمانت را قائل هستید که بجهت است و اصلاً ذمه مدعی علیه بری شده است و تعلق گرفته است بدمه ضامن و باید از ضامن بگیرند او محکوم است توقیف ندارد دیگر باید بدهد این است که بنده مخالفم با توقیف و باید وصول مال را از ضامن بخواهند و بنده با کلامه توقیف مخالفم

مخبر -- در یکی از جلسات سابق بنده توضیح دادم

که ضمانتی که اینجا گفته میشود عبارت است از تهر و التزام و چیز دیگری نیست یعنی بنده که ضامن دادیم تعهد میکنم که اگر (اگر دارد) و این جاضرمانت شرعی باین معنی که شما فرمودید نیست میگویم اگر محکوم علیه نداد من تعهد میکنم. چون اینطور است پس ورقه اجرائیه که صادر شد باید بدواً مراجعه بمحکوم علیه بکنند به بیئتند که او میدهد و میشود از مال او استیفای کرد یا نه اگر مایوس شدند از اجرای آن آنوقت بتقاضای محکوم له مراجعه میکنند بضامن از آنطرف هم برای اینکه مبادا ضامن احتیاطاً اموالش را حیف و میل کند يك احتیاطی این جا در ماده پیش بینی شده که اموال ضامن هم توقیف شود تا به بیئتم میشود از اموال خود مدعی علیه وصول کرد خیر (پس در هر حال مقصود تعهد است) اگر نشد آنوقت از اموال ضامن میگیرند نه اینکه ذمه مدعی علیه را بری کند و ذمه خودش را مشغول کند و اگر هم مراجعه بمواد بفرمائید ملاحظه خواهید فرمود که مقصود از ضمانت اینجاست تعهد است و مراد نقل ذمه يك طرف از متداعیین بطرف دیگر نیست. چرا؟ زیرا که هنوز حقی ثابت نیست و هنوز حقیانیت هیچیک از طرفین معلوم نیست پس قبلاً تعهدی میشود. ولی ضمانت شرعی بآن طوریکه فرمودید مال کسی است که مدیونیتش مسلم باشد و يك کسی میورد او را ضمانت میکند آنوقت ذمه آن مدیون بری میشود و ذمه ضامن مشغول ولی اینجا این طور نیست اینجا يك تعهدی میکنند در موردی که مسئله مبهم است و معلوم نیست که حق با کدام طرف است اینجا اگر این محکوم شد و از مال او نتوانستند استیفا کنند آن وقت میرویم به بیئتم اگر بتنیجه نرسید و از مال مدعی علیه استیفا نشد من باب احتیاط گفتمیم بروند و از اموال ضامن هم توقیف کنند و نظر عمده این مواد این است که بیشتر حفظ شود و اگر يك قدری دقت شود مطلب واضح می شود.

رئیس -- آقای فیروز آبادی

فیروز آبادی -- بنده عقیده ام این است که در غالب این موادی که اینجا هست واسم ضامن هست این اسم ضامن اصلاً اسم صحیحی در این مورد نیست و با موازینش صحیح در نمی آید اینها متمهید و ملزم اند يك شخصی میاید و میگوید اگر این آدم نداد من ملتزم و متعهد میشوم اگر این از بنده بر نیامد بدهم این در واقع ضمانت ما بجهت نیست چون ضمانت چند قسم است مالیم بجهت است مشروط است مشروط است و مقید. و ضمانت مشروط و مقید صحیح نیست و اسمش را نمیشود ضمانت گذاشت و باید این ها را التزام و تعهد گرفت پس خوب است در تمام این مواد ضامن را بردارند و جایش متعهد و ملتزم بگذارند بنده عقیده ام این است و الا هیچ درست در نمی آید

مخبر -- لامشاحه فی الاصطلاح در اصطلاح نزاع و مشاجره نیست اگر چنانچه ما این اصطلاح را بیست سال است ببول کرده ایم این اشکال ندارد که شما حالا ایرادی میفرمائید الان بیست سال است که ما عدلیه داریم و این هم اصطلاح است شما از این اصطلاحات مشترك خیلی دارید شما حاکم بدایت عدلیه را میگوئید حاکم. مأمور وزارت داخله را هم می گوئید حاکم (صحیح است) محکمه عدلیه را هم می نویسید محکمه مطب دندان سازی را هم می نویسید محکمه بالاخره اینها اصطلاح است ما این ضامنی که اینجا نوشته ایم همان معنائی است که عرض کردم در صورت مجلس هم هست رئیس -- آقای شریعت زاده

شریعت زاده -- مبحث عنوان ضمانت و ضمانت همان طوری است که آقایان فرمودند و توضیح این مطلب هم ضرورت نداشت چون مطلب خیلی واضحی است و این جا هم مقصود التزام است بلکه تصور تعهد بدوی هم نیست بلکه التزام است و نتیجه آن التزام هم قطعی است. ما بنظر بنده التزام و تعهد در اینجا تعلیقی است و خود

ملزومیت وقتی محقق میشود که شرط آنها متحقق بشود یعنی عدم امکان تأدیه از طرف مدعی علیه و قبل از تحقق این معنی مطلقاً نمیشود مال ضامن را توقیف کرد چون مساویتی بر او متوجه نیست و او ملتزم است بشرط عدم تأدیه. حالا اگر آقایان این اندازه علاقه مند هستند که مطابق قواعد فقه و اصول این مطلب را حل کنند و رای بدهند این دلیل ندارد و مخالف این اصل مسلم است که اگر محکومیت مسلم نشد آنوقت از اموال توقیف کنند و بنده استدعا میکنم از آقای مخبر که در این مسئله دقت بفرمایند و در این قسمت از نظر آقایان موافقت بفرمایند مخبر -- آقای شریعت زاده خودشان در کیسیون عدلیه عضو هستند و ممکن است در شور دوم نظر بایشان را بفرمایند تا باز مطالعه بیشتری بشود ولی ما که نمیگوئیم از ضامن گرفته میشود مسئولیتی که بهمه ضامن است بالاخره تا این اندازه است که اگر محکوم علیه نداد او باید حاضر باشد (در صورت عدم وصول از محکوم علیه) او پول را بدهد و باید این قسمت را در نظر داشت و ما این جا يك نظر دیگری داشتیم و احتیاط کردیم که از دارائی او هم توقیف بشود شما میگوئید این احتیاط را قبلاً نکنیم؟ خوب این يك نظری است ولی بند. عقید ام این است که این لازم است و بصره آن محکوم لهی است که حکم او قطعی شده است

جمعی از نمایندگان -- مذاکرات کافی است

رئیس -- کافی است؟ (گفته شد -- بلی) پیشنهادی از

آقای وثوق رسیده است قرائت میشود:

پیشنهاد آقای وثوق

مقام عالی ریاست مجلس مقدس دامت شوکتہ العالی بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۲۶ که بعد از جمله توقیف مال ضامن را باندازه که ضمانت کرده جمله و از عهده بر نیامده اضافه شود



[ ۵ - موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه ]  
 رئیس - از طرف جمعی از آقایان پیشنهاد شده است  
 که جلسه را ختم کنیم ( نمایندگان - صحیح است ) اگر  
 موافقت فرمائید جلسه آینده روز پنجشنبه نوزدهم دی ماه  
 سه ساعت قبل از ظهر و دستور بقیه مذاکرات مربوطه  
 بلاوجه تأمین مدعی به  
 ( مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد )  
 رئیس مجلس شورای ملی دادگر